

**Actions and reactions of the people of Gilan against the
implementation of the law on the union of
clothes and the discovery of hijab
(Case study of the cities of Rasht, Lahijan
and Bandar Pahlavi 1307-1320)**

Abbas Panahi^{*}, Masoumeh Hanife^{**}

Abstract

The law on the uniformity of clothing and the subsequent standardization of the clothing of government employees, especially women, was one of the preconditions for the passage of the law on the discovery of the hijab and greatly influenced its process. These two laws are one of the main actions of the government in order to modernize Iranian society, especially women, and change the Qajar culture to Western culture. The study of the measures taken in Gilan, as an important state in the development of contemporary Iranian history, is one of the main objectives of this study, which is a historical and qualitative study method to research and study more than 250 pages of archival documents and library resources. O paid. The key question of the present study is this point; What was the attitude of the Gilanis towards the law on the discovery of hijab during the reign of Reza Shah? According to the studies, the main factor in the rapid adoption of these laws in Gilan is the influence of Western thought, culture and civilization in this region and the familiarity of the people with it. One of the most important consequences of the

* Ph.D History & Iranology Assistant Professor Gilan Stud (Corresponding Author),
apanahi@guilan.ac.ir

** Doctoral student history university of alzahra, mas82hb@gmail.com

Date received: 2022/07/07, Date of acceptance: 2022/09/31



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

discovery of the hijab and the unification of the cover of different ethnic groups in Iran is that this action destroys the nature of Iran and its ethnic diversity and endangers the existence of people in different parts of Iran. Despite the resistance throughout Iran to the implementation of this law, the process of implementing these two laws was easier for the government in Gilan, because the familiarity of the people of Gilan with modernity and various aspects of Western culture caused Gilanians to more or less Keep it in sync.

Keywords: Women, Gilan, Hijab Discovery, Law, Pahlavi.

کنش‌ها و واکنش‌های مردم گیلان در برابر اجرای قانون اتحاد لباس و کشف حجاب

(مطالعه موردی شهرهای رشت، لاهیجان و بندر پهلوی ۱۳۰۷ - ۱۳۲۰)

عباس پناهی*

معصومه حنیفه**

چکیده

قانون متحدالشکل شدن پوشاک و در پی آن یکسان‌سازی پوشش کارمندان دولتی، به ویژه زنان، از مقدمات تصویب قانون کشف حجاب بوده و در روند آن تأثیر بسیار گذاشت. این دو قانون از اصلی‌ترین اقدامات دولت در جهت نوگرایی و تجدد جامعه ایران، به ویژه زنان، و تغییر فرهنگ سنتی ایرانی به فرهنگ غربی است. مطالعه واکنش گیلانیان از اهداف اصلی این پژوهش بوده، که با روش بررسی تاریخی تبیینی و به صورت کیفی، به تحقیق و مطالعه بیش از ۲۵۰ برگ سند آرشیوی و همچنین منابع کتابخانه‌ای پرداخته شده و در صدد پاسخ به این پرسش کلیدی است: گیلانیان در برابر اجرای قانون کشف حجاب در دوره رضا شاه چه واکنش‌هایی داشتند؟ تأکید پژوهش حاضر بر بررسی روند اجرای این قوانین و واکنش جامعه و علما از بوده و هدف اصلی آن، روشن ساختن ابعاد مختلف پدیده کشف حجاب در گیلان است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، عامل اصلی در پذیرش سریع این قوانین در گیلان، همراهی روحانیان و بزرگان شهرهای مختلف با برنامه‌های دولت و نیز آشنایی مردم با فرهنگ اروپایی است. از مهم‌ترین پیامدهای کشف

* دانشیار تاریخ پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، apanahi@guilan.ac.ir

** دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه الزهراء، mas82hb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

حجاب و یکسان‌سازی پوشش در گیلان، می‌توان به سرعت مدرنیته در گیلان پس از اجرای این طرح در سال‌های پایانی حکومت رضا شاه و بعدها دوره پهلوی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: زنان، گیلان، کشف حجاب، قانون، پهلوی.

۱. مقدمه

در دوره حکومت رضاشاه و با تصویب دو قانون «متحدالشکل شدن البسه» در سال ۱۳۰۷ خ. و «کشف حجاب زنان» در سال ۱۳۱۴ خ. جنبشی با عنوان «نهضت بانوان در ایران» شکل گرفته و در روزنامه‌های خارجی به عناوینی چون «مرحله جدیدی از زندگی زنان ایرانی»، «حذف موانع زندگی زنان خاورمیانه»، و «ورود زنان ایران به زندگی اجتماعی» انعکاس یافت. در ایالات مختلف ایران واکنش‌های مختلفی نسبت به تصویب این قوانین دیده شد. در تهران جمع زیادی از مردم و روحانیون در مقابل این فرمان‌ها و به ویژه فرمان کشف حجاب ایستادند. تعداد زیادی از زنان با حجاب سمنان به دلیل پوشیدن حجاب سنتی در زندان‌های حکومت محبوس شده و این وضع در اکثر شهرهای ایران نیز مشاهده شد. در گیلان وضعیت کمی متفاوت و برخورد مردم و روحانیت این منطقه با قوانین نامبرده متعادل‌تر از سایر نواحی ایران بود. نزدیکی جغرافیایی گیلان به روسیه، آشنایی مردم این منطقه با فرهنگ غرب، نفوذ اندیشه تجددگرایی در گیلان، قدمت حضور اقلیت‌های مذهبی در شهرهای مهم گیلان همچون رشت، بندر انزلی و لاهیجان، تبادل دینی و فرهنگی میان روحانیون اسلام و مبلغان مسیحی، احداث مدارس آرامنه، شوروی، فرانسوی و آمریکایی و همچنین مختلط بودن این مدارس همه از دلایل انعطاف‌پذیری بیشتر گیلان نسبت به مناطق دیگر همچون تهران، سمنان، خراسان و ... بوده است. همچنین گیلان از مناطق پیشرو در حوزه آموزش در دوره پهلوی بوده و به همین علت از نظر تعداد افراد با سواد، آشنا با فرهنگ و ادب خارجه، و تجددگرا و روشنفکر، در جایگاه مهمی در میان ایالات مختلف ایران قرار داشته است. این دلایل موجب پذیرش قوانین نوگرا در میان عامه مردم و روحانیت شده و پذیرش کشف حجاب و روند اجرای آن در این استان را سهل نمود و تسریع بخشید.

برای اجرای قانون یکسان‌سازی پوشش در گیلان به صرف زمان زیادی نیاز بود و تا سال ۱۳۱۴ خ. - همزمان با اجرای قانون کشف حجاب - به طول انجامید و از علل اصلی

برای این تأخیر میتوان به عدم وجود بضاعت مالی زنان اقشار متوسط و طبقه کارمندان اشاره کرد. با توجه به آنکه اجرای قانون متحدالشکل شدن البسه در گیلان همزمان با یکسان‌سازی پوشش کارمندان دولتی، به ویژه زنان، و از سال ۱۴-۱۳۱۲ روند رو به رشدی داشت، می‌توان همراهی برخی روحانیون گیلان در اجرای قانون کشف حجاب را یکی از دلایل مهم آن دانست.

در موضوع پیش‌رو مطالعات انجام شده و پایه‌های فکری و روند اجرای آن در بسیاری از ایالت‌های ایران مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. این وقایع در دو استان شمالی ایران، مازندران و استرآباد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، اما تاکنون مطالعه‌ی مستقلی در مورد زمینه‌های اجرای قانون متحدالشکل شدن البسه و کشف حجاب زنان در گیلان به انجام نرسیده است. حسن زندیه و ماریا اسرافیلیان سلطانی بسترها و پیامدهای قانون کشف حجاب در ایالت استرآباد را تحت عنوان «کشف حجاب در ایالت استرآباد» مورد مطالعه قرار داده‌اند. قانون کشف حجاب و اتحاد در پوشش در مازندران نیز در مقاله‌ای با عنوان «اجرای پوشش همسان و کشف حجاب در مازندران عصر رضا شاه» مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در خصوص ایالت گیلان، موضوع کشف حجاب و روند اجرای آن در برخی از منابع تاریخ گیلان و پژوهش‌های مرتبط به صورت جسته و گریخته مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این منابع کتاب «تاریخ گیلان» نوشته ناصر عظیمی است. عظیمی در جلد دوم این کتاب که به تاریخ گیلان از ورود شاه عباس اول تا پایان انقلاب جنگل می‌پردازد، اشاره‌هایی گذرا نموده است. اما هدف از انجام پژوهش پیش‌رو، روشن‌سازی پیشینه اجرای این دو قانون در شهرهای مهم گیلان - رشت، لاهیجان و انزلی - و نیز شیوه اجرای آن با بررسی اسناد مختلف دولتی و گزارش‌های شهربانی بوده و همچنین انعکاس این تحرکات را، که به «نهضت زنان ایران» معروف است، در روزنامه‌های خارجی بررسی می‌کند.

۲. نوگرایی بانوان در دوره رضاشاه

جایگاه زنان در جامعه و پیشرفت آنان از برنامه‌هایی است که رضاشاه در دوران حکومت خود به آن توجه نمود. در جامعه قاجار زنان بیشتر در خانه و در نقش‌هایی وابسته به مردان تعریف می‌شدند. همانگونه که در نوشته‌های باقی مانده از این دوره، نقش‌های اجتماعی

مانند زن پدر، زن دایی، دختر پدر، کلفت آقا و ... برای توصیف جایگاه و میزان حضور آنان کاربرد داشت (باغدار دلگشا، ۱۳۹۷: ۴۸) این نقش تا دوره‌ی مشروطه و در جامعه سستی قاجار همچنان پایدار بود. مشروطه زمانی است که تغییراتی در جایگاه اجتماعی و حضور زنان در جامعه ایجاد شد. در این دوره زنان روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و مشروطه خواه به مردان پیوسته و در تحولات این دوره مؤثر عمل کردند. فعالیت آنها در حمایت از علمای دین، مشارکت در برخوردهای مسلحانه، و نیز تلاش برای تاسیس بانک ملی از نمونه‌های تاثیرگذاری زنان در دوره مشروطه است (شیرودی، ۱۳۸۵: ۳۲) با وجود آنکه در این زمان نیز زنان مطالبات شخصی و حقوقی خود را پیگیری می‌نمودند، اما تمرکز اصلی جامعه بر به نتیجه رساندن جنبش مشروطیت بوده و پس از به نتیجه رسیدن نهضت، بار دیگر حضور اجتماعی زنان توسط نظام سیاسی مردانه کمرنگ شد.

مشکلات اصلی زنان قاجار شامل مسائلی چون نقش‌های زن به عنوان خانه‌دار، مادر، همسر، و نیز تحصیل بانوان بود. مشکل دیگری که زنان این دوره با آن روبرو بودند خطاب شدن به جنس دوم و «موجود درجه دوم» بوده است (آبادیان و صفری، ۱۳۹۳: ۲، ۶) در ابتدای دوره‌ی رضاشاه نیز وضع به همین منوال پیش می‌رفت. در گیلان چند روزنامه‌ی پیشرو با مدیریت زنان وجود داشته و به آگاهی بانوان گیلانی به حقوق خود و مبارزه با آزادی زنان می‌پرداختند. علاوه بر آن، تنی چند از روزنامه‌نگاران زن گیلانی در روزنامه‌های شهرهای بزرگ مانند تهران و اصفهان مقالاتی در باب زنان و حقوق دینی و اجتماعی آنها به انتشار می‌رساندند. مقاله‌های مرضیه ضرابی در روزنامه‌های ستاره ایران^۱ و زبان زنان^۲ نمونه‌ای از فعالیت زنان گیلانی است.

اندیشه ترقی و تجدد در افکار اندیشمندان ایران معاصر به دفعات دیده شده است، در اندیشه‌های میرزا ملکم خان، ملک‌الشعراى بهار و دیگران به این موضوع اشاره‌های زیادی شده است. به عنوان نمونه؛ آدمیت از فلسفه عقاید سیاسی ملکم خان می‌گوید:

فلسفه سیاسی او مبتنی بر تسلیم مطلق و بلاشرط در مقابل تمدن اروپایی بود. عقیده داشت که ایران در تمام ارکان زندگی سیاسی و اقتصادی باید اصول تمدن غربی را بپذیرد؛ چه، آیین ترقی همه جا بالاتفاق حرکت می‌کند (ذاکر اصفهانی، ۱۳۹۶: ۹۰)

سفر رضاشاه به ترکیه تاثیر زیادی در اجرای قانون کشف حجاب در ایران داشت. حسن ارفع در خاطرات خود به این نکته اشاره می‌کند: «اصلاحگر ایرانی [=رضا شاه] به

دیدار همتای ترک خود آمده بود تا هم چیزهایی یاد بگیرد و ...» (ارفع، ۱۳۸۷: ۳۰۷). ارفع در جای دیگر از خاطرات خود اشاره دارد: «هیچ زنی به ضیافت دعوت نشده بود، اما گروه همخوانی دختران جوان مدرسه عالی موسیقی آنکارا قطعاتی از اپراهای اروپایی را خواندند و نواختند» (همان). دوره حکومت رضاشاه را با توجه به نوع قدرت او و فعالیت‌هایش می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. بر اساس گفته محمدعلی کاتوزیان، می‌توان دوره اول آن را به لحاظ رعایت نکردن حقوق مدنی و تصرف در اراده ملی دوره «قدرت مطلقه» و دوره دوم را دوره «قدرت مطلقه توأم با خودکامگی» نامید (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۲۸) و نهضت بانوان ایران نتیجه دوره نخست حکومت او است.

سفر رضاشاه به ترکیه نیز از اقدامات او در این دوره بوده، که بسترساز نوگرایی و تجدد زنان در عصر پهلوی است. شاه پس از بازگشت از سفر، مانند آتاتورک، اروپا و فرهنگ غرب را الگوی خود قرار داده و اقدامات متعددی در مسیر نوگرایی انجام داد. ارفع در توصیف سفر شاه به ترکیه، نتایج آن را مؤثرتر از سفر به کشورهای پیشرفته اروپا می‌داند، به عقیده وی مسیری که ترکیه در جهت تجدد پیموده بود، برای ایرانیان قابل درک بود (ارفع، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

رضاشاه در زمینه کشف حجاب، این فرایند را نخست از خانواده خود آغاز نمود. و در مرحله دوم قانون «متحدالشکل شدن البسه کارکنان دولتی» یا اروپایی کردن پوشش زنان ایران، که برخلاف قانون سال ۱۳۰۷ تمرکز اصلی آن بر زنان جامعه ایرانی بود. نساج در مقاله خود شیوه نوسازی از بالا، به ویژه، روش اتاتیسم (Etatism یا Statism) را به عنوان روش کار رضاشاه در روند نوسازی ایران نامیده است (نساج، ۱۳۹۲: ۳) نوسازی از بالا شامل اصلاحاتی می‌شد که غالب آن ماهیت نظامی داشت. این شیوه در ادوار قبلی و در دوره قاجار نیز دیده می‌شود، مانند اصلاحات نظامی عباس میرزا. رضاشاه از ابزاری که به این روش در کشور ایجاد کرد برای انجام اقدامات غیر نظامی خود بهره گرفت. ارتش رکن اصلی حکومت رضاشاه بود و شهربانی بخشی از آن است. با اصلاحات نظامی او، بعدها و در روند اجرای قوانین یکسان سازی پوشش و کشف حجاب همین بخش‌های نظامی به عوامل اصلی اجرایی این فعالیت‌ها - یا نهضت بانوان ایران - تبدیل شدند. اختیار عمل شهربانی در مجازات زنان متخلف و مجازات آنها بدون مشورت با دادگاه در برخی ایالات ایران را می‌توان از نمودهای استفاده از ابزار تولید شده در این اصلاحات نظامی دانست.

روند اجرای نهضت بانوان ایران در گیلان به ویژه به مراتب به جهت ارتباط گسترده با اروپا و مظاهر مدرنیته در سال‌های پایانی حکومت قاجار در این سرزمین پیشرفت بهتری داشت. عدم مخالفت بخشی از علمای گیلان با اجرای این قوانین و نیز تاثیر فرهنگ روسی در زندگی عامه مردم گیلان را می‌توان از دلایل اصلی این موضوع دانست. دولت رضا شاه نیز در سال ۱۳۰۵ روزنامه «نامه نسوان شرق»، روزنامه ویژه زنان در گیلان، را با اتهام وجود دیدگاه کمونیستی و نیز حمایت پنهان دولت روسیه از آن توقیف نمود (تقاضای توقیف جریده (نسوان شرق) به علت تبلیغات به نفع اجانب، ۱۳۰۵: ۱، ۲). کنش‌های فمینیستی و نیز کمونیستی در میان زنان رشتی دیده می‌شد.

روزنامه پیک سعادت نسوان به مدیریت روشنگ نوع دوست، از جریده‌هایی است که در راه برابری جنسیتی، آزادی زنان و رسیدن به مطالبات و حقوق مدنی آنان فعالیت زیادی داشت. این نشریه نیز در تحول افکار زنان گیلان تاثیر زیادی داشت. این نشریه «نخستین نشریه زنانه چپ‌گرای ایران» بود (مسعودی و مهاجر، ۱۳۹۰: ۳۴) در مقابل اجرای قانون متحدالشکل شدن پوشاک کارکنان دولت در تهران سریع‌تر از سایر مناطق به نتیجه رسید، اما در نواحی دور از مرکز، روند آن کندتر از تهران بود. براساس داده‌های اسناد، سختگیری ماموران شهربانی در اجرای این قانون نیز، در ایالت‌های دیگر کمتر از مرکز بوده و این عامل نیز از دلایل کندی اجرای آن است. اجرای کامل این قانون در گیلان در سال ۱۳۱۴ و کمی قبل از تصویب قانون کشف حجاب صورت گرفت و می‌توان آن را مقدمه‌ای در انجام قانون کشف حجاب در دی ماه همان سال دانست.

۳. بسترهای کشف حجاب در ایران

نخستین نشانه‌های کشف حجاب در خاطرات و سفرنامه‌های دوره قاجار دیده می‌شود. به عنوان نمونه، شاهان قاجار در خاطرات مسافرت‌های خود به اروپا به توصیف زنان اروپایی و پوشش متفاوت آنها اشاره می‌پردازند. ناصرالدین شاه پس از سفر خود به اروپا و مشاهده پوشش رسمی زنان فرنگی، در بازگشت به ایران تغییراتی متناسب با آنچه در اروپا دیده بود در لباس زنان حرم خود ایجاد کرد. همچنین در این دوره اعزام دانشجویان به فرنگ باعث آشنایی آنها با تفکر جدید غرب و گرایش به تجددگرایی در ایران شد (شهرام نیا، زمانی، ۱۳۹۲: ۶۶). این اندیشه همچنین به آثار ادبی ایران دوره قاجار، به ویژه در جریان نهضت

مشروطه، ورود کرد. شاعران موافق و مخالف کشف حجاب به عرصه عمل ورود کرده و به ترتیب به حمایت و مقابله با آن پرداختند. مساله کشف حجاب و حمایت از آن در آثار عارف قزوینی، پروین اعتصامی، ایرج میرزا، ابوالقاسم لاهوتی، میرزاده عشقی و ... که داعیه تجددخواهی و نوگرایی داشتند، دیده می‌شود. در مقابل سنت‌گرایانی همچون آقا محمد عاصی رشتی اصفهانی، آقا سید محمد نطنزی، احمدی، موسی طبرسی کاظمینی متخلص به ضیایی، امیرالشعراء و بسیاری دیگر با این دیدگاه مخالفت داشتند (راستگو، ۱۳۸۷).

جدول ۱ - برخی از آثار حامی کشف حجاب تا قبل از اعلام قانون در سال ۱۳۱۴ ش.

نشانه‌های حمایت	نمونه آثار حامی	حامیان کشف حجاب
اعلام این نکته که کشف حجاب برابر است با حرکت در راه تمدن و نوگرایی؛ فراخواندن بانوان ایرانی در پیوستن به این جنبش اشاره بر ضرورت دفاع از حقوق زنان و حرکت آنان در مسیر رسیدن به حقوق و آزادی خود و اعلام حمایت از آنان	تمدن بی‌تربیت نسوان، سفر نیمه راه! (۱۲۹۷ ش.) فرقه بازی جهالت (۱۲۹۸ ش.) حجاب (۱۳۰۲ ش.)	عارف قزوینی ^۳ (۱۳۱۲-۱۲۵۹)
فراخواندن دختران ایرانی به برداشتن چادر، روینده و سایر وجوه حجاب	ماه بی حجاب (۱۳۱۲ ش.) ^۴	ابوالقاسم لاهوتی (۱۳۳۵-۱۲۶۴)
اشاره به برابری زن و مرد در خلقت؛ تمجید از جنس زن؛ نکوهش حجاب و چادر و روینده انتقاد از فقها با اشاره به بیت: «فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست/چرا که هر چه کند حيله در حجاب کند»	چادر [بیا گویم برایست داستانی ...] (۱۳۰۲-۰۳) ^۶ انتقاد از حجاب (قصیده ایرج میرزا)	ایرج میرزا ^۵ (۱۳۰۴-۱۲۵۳)
اشاره به بی دفاع بودن و بی سواد بودن زنان، ظلم وارده به آنها و آثار آن در زندگی زن؛ اشاره به حقوق برابر زن و مرد؛ مهم‌تر بودن دانش و ارزش انسانی زن از حجاب سر و صورت	زن در ایران (۱۳۱۵ ش.)	پروین اعتصامی ^۷ (۱۳۲۰-۱۲۸۵)
اشاره وجود مفسده در حجاب	نمایشنامه کفن سیاه (۱۲۹۴ ش.)	میرزاده عشقی ^۸ (۱۳۰۳-۱۲۷۳)
اشاره به چادر به عنوان عاملی در عقب ماندن زن ایرانی از سایرین تشویق زنان به دانش افزایی و حفظ عفت و شرم و حیا همراه با کشف حجاب	خانواده (۱۳۰۸ ش.) ای زن! (۱۳۱۴ ش.)	ملک الشعرا بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۵)

۴. روند اجرای قانون «متحدالشکل شدن البسه» در گیلان

رضا شاه فعالیت‌های تجددگرای خود را در سال ۱۳۰۳-۰۴ ش. و با اجرای قانون «استعمال البسه وطنی» در مرداد ماه آغاز نمود و این قانون در تمامی ادارات دولتی لازم‌الاجرا و تحت نظر رئیس اداره اعلام شد (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۲۱۷) و آن را در دی ماه سال ۱۳۰۷ با قانون «متحدالشکل شدن البسه» و سپس اجرای قانون «کشف حجاب» در سال ۱۳۱۴ ادامه داد (منظورالاجداد، ۱۳۸۵). پیش از این و در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ نیز با رسیدن اخبار از کشورهای ترکیه و افغانستان مسئله کشف حجاب شکل جدی‌تری به خود گرفته و در تهران خبر از ایجاد انجمن ضد حجاب به گوش می‌رسید (شهرام نیا، زمانی، ۱۳۹۲: ۶۶).

هدف اصلی رضا شاه از اجرای قانون‌های یکسان‌سازی پوشش و کشف حجاب، الگوبرداری از غرب و فرهنگ اروپایی، تلفیق آن با فرهنگ بومی ایرانی و سوق دادن ملت ایران به سوی تمدن جدید و نوگرایی بود. زمینه ایجاد این طرح را می‌توان در یک عبارت خلاصه نمود: ارتباط با دنیای خارج از ایران. این ارتباط از چند جهت صورت گرفت؛ نخست ورود محصلان ایرانی به فرنگ پیش از سلطنت رضا شاه که سبب نفوذ فرهنگ و تمدن غرب در ایران شد. سپس سفر رضا شاه به ترکیه و رویارویی او با تغییرات ایجاد شده توسط آتاتورک، و در نهایت ورود روزنامه و کتاب‌های فرنگی به داخل کشور که سبب تحول افکار اندیشمندان و روشنفکران ایرانی شد (تخشید، ۱۳۷۷: ۱۰۹).

قانون «متحدالشکل کردن البسه اتباع ایران در داخل مملکت» در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید. بر اساس این قانون مرد ایرانی اجازه استفاده از کلاه‌های سنتی و بومی و عمامه را نداشت. کمی بعد نیز استفاده از البسه محلی گوناگون ممنوع شد. اجرای این قانون به مرور و تا سال ۱۳۱۵ در مناطق مختلف ایران تسهیل شده و با توجه به گزارشات شهربانی، در برخی نواحی حتی از سوی ماموران شهربانی نیز توجه زیادی به آن نمی‌شد. تصویب این قانون را می‌توان مقدمه‌ای بر متحد کردن لباس کارکنان دولتی و کشف حجاب در سال‌های بعد دانست. اجرای قانون اتحاد در پوشش مردان در سال‌های ۱۳۰۸-۹ در اوج خود قرار داشته و بیشتر مشاغل مجبور به انتخاب پوششی متحد بودند. این روند در گیلان پیشرفت سریعی نداشت. یکی از دلایل اصلی این سرعت پایین در اجرای قانون، روند کند اجرای اصلاحات گیلان در سال‌های آغازین حکومت رضا شاه است. بسیاری از روستاها و شهرهای گیلان تا حدود سال ۱۳۱۰ دارای مدرسه، بیمارستان، ادارات دولتی و نمایندگی

شهربانی نبودند (گزارش رؤسای مدارس و معارف گیلان، ۱۳۱۲: ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۸۷). و همین عامل را می‌توان سبب عدم توجه به قانون اتحاد در پوشش مردم این ناحیه دانست. به عنوان نمونه، اجرای پوشش یکسان در بین سورچیان پایتخت تا پایان سال ۱۳۰۹ تقریباً به پایان رسید، این درحالی است که در گیلان، سال ۱۳۱۳ را می‌توان زمان اجرای کامل این طرح دانست. همچنین اسنادی از شهربانی گیلان در دست است که بر اساس آن، وزارت داخله در آبان و آذر ماه ۱۳۱۴ گزارشاتی مبنی بر یکسان نبودن پوشش درشکه‌چیان گیلانی دریافت کرده و شهربانی نیز مجبور به توضیح و ارسال گزارش در این باب بوده است (اقدامات اداره معارف گیلان برای اجرای مقررات استفاده از لباس متحدالشکل، ۱۳۱۴: ۳، ۱۹). از آنجایی که در زمان اجرای قانون کشف حجاب، منظور از برداشتن حجاب «رها کردن چادر و ظاهر شدن در ملاء عام با لباس اروپایی» (کرونین، ۱۳۸۲: ۲۵۲) بوده است، اجرای کامل قانون اتحاد در پوشش در گیلان همزمان و همراه با آغاز تبلیغات طرح کشف حجاب، کامل شد. عدم توجه و تمرکز بر اتحاد پوشش کارمندان غیر دولتی در گیلان از ابتدای تصویب این قانون تا پایان دوره رضاشاه مشاهده می‌شود. نمونه‌ی آن را می‌توان در لباس سورچیان دید، که با گذشت چند ماه از بازخواست شهربانی گیلان توسط وزارت داخله درخصوص پوشش این قشر، به دلیل رنگ مشابه لباس آنان با لباس آموزان دختر، فرمان پوشش یکسان سورچیان منتفی شد (همان: ۲۵). در سالهای ۱۳۰۸-۱۳

در روزنامه‌های این دوره، تبلیغات گسترده در فواید استفاده از لباس زنانه اروپایی، برداشتن چادر، و الگوبرداری از فرهنگ اروپایی صورت گرفت و سه ماه مانده به تصویب قانون کشف حجاب، اداره معارف و اوقاف گیلان به همراهی شهربانی دستور اتحاد در پوشش تمامی بانوان کارمند و معلم و دختران دانش‌آموزان را صادر کرد. معارف گیلان در گزارش خود به وزارت مرکزی به این نکته اشاره دارد که قانون نامبرده به خوبی در گیلان به اجرا رسیده و اکثریت کارمندان و دانش‌آموزان یکسان‌سازی پوشش خود را پذیرفته‌اند، و نیز خاطر نشان می‌کند، با هر کسی که با این قانون و اجرای آن مخالفت کرده و به آن تن ندهند برخورد خواهد شد (همان: ۵). با توجه به مقالات منتشر شده در روزنامه‌های این دوره، برخورد مورد نظر در این گزارش، اخراج از مشاغل دولتی بوده است. دولت که از یکسان‌سازی پوشش کارکنان خود به جهت مقدمه‌ای بر کشف حجاب استفاده می‌نمود، به تمامی درخواست‌های مساعدت مالی که از طرف زنان کارمندی نیازمند کمک هزینه برای تأمین لباس جدید و نیز مردان کارمندی که باید برای همسران خود لباس اروپایی تهیه می-

کردند، پاسخ مثبت می‌داد (همان: ۷، ۱۱؛ تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۱۸۲-۱۸۰).

برخورد مردم شهرها و روستاهای گیلان با قانون یکسان‌سازی پوشش متفاوت بود. پذیرش آن برای برخی اصناف آسان‌تر بوده و برخی هرگز نتوانستند با این قانون ارتباط برقرار کنند. یکی از گروه‌هایی که به مراتب راحت‌تر از سایرین این قانون را پذیرفت، بانوان اداره معارف و اوقاف گیلان بوده‌اند. این گروه شامل کارمندان اداری، آموزگاران و دبیران، و نیز دانش آموزان مدارس دولتی و خصوصی می‌شوند. اما اوضاع برای این قشر نیز در شهرها و روستاها متفاوت بود. در ابتدای حکومت رضا شاه پهلوی، و همزمان با صدور فرمان اتحاد پوشش، بسیاری از دختران روستاهای گیلان از مدرسه و مکتب‌خانه بهره‌ای نداشتند. در سال‌های ۶-۱۳۰۴ هیچ مکتب‌خانه دخترانه‌ای در لاهیجان، طوالش، لشت نشاء، قرا لشت نشاء، آستانه، سیاهکل، رودبار، املش، و ماسوله وجود نداشت (صورت مکاتب اناث و ذکور گیلان، بی‌تا؛ احصائیه مدارس و مکاتب گیلان، ۱۳۰۰). از این میان پس از گذشت مدت کوتاهی فقط لاهیجان و طوالش صاحب مدرسه دخترانه شدند. علاوه بر مدرسه، عدم وجود بیمارستان و ادارات دولتی در این مناطق نیز سبب آن شد تا اتحاد در پوشش با استقبال روبرو نشود و اجرای کامل آن تا سال ۱۳۱۳ به تعویق انداخته شود.

۵. اجرای قانون «کشف حجاب» در شهرهای رشت، لاهیجان و بندر پهلوی

استفانی کرونین در تعریف کشف حجاب دوره رضا شاه می‌نویسد: «کشف حجاب در دوره رضا شاه بیشتر به معنای برداشتن پوشش صورت و «چادر» به سبک ایرانی ... بوده تا باز کردن کامل سر»، و گواه آن را اشارات نویسندگان، ادیبان و روشنفکران این دوره در مقالات و اشعار خود در موافقت با کشف حجاب و توجه به واژه‌هایی همچون چادر، پیچه، نقاب و روبنده می‌داند (کرونین، ۱۳۸۲: ۲۴۹-۲۵۰). شاه نیز در بازدیدهای خود از بیمارستان‌ها و مؤسسات نسوان علاقه خود برای کشف حجاب را نشان داده و زنان و دختران را به کنار گذاشتن چادر و اتصال به حلقه اصلاحات اروپایی تشویق می‌کرد (نظرات روزنامه‌های ایرانی و خارجی درباره کشف حجاب و نهضت بانوان ایران، ۱۳۱۴: ۴).

در این زمان به دلیل جذب بیشتر جامعه و به دستور حکومت پهلوی قرار بر آن شد تا بجای عبارت «کشف حجاب» از عناوینی چون «نهضت بانوان» یا «تربیت و تجدد نسوان» استفاده شود (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۲۱۲). این عمل در راستای مشروعیت بخشیدن به اجبار در کشف حجاب و تا حد امکان کاهش اعتراضات نسبت به این قانون بوده است. از دیگر فعالیت‌های دولت در جهت تبلیغ بی‌حجابی و تشویق بانوان به آن، برگزاری تئاتری با عنوان «تمدن نسوان» توسط جمعیت تمدن نسوان در سال ۱۳۰۵ بود. به گفته بصیرت منش هدف از برگزاری این تئاتر «عادی سازی حضور زنان در مجالس و سست کردن اعتقاد آنان و به خصوص تحریک آنان به بی‌حجابی مورد نظر بود» (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۷۶-۷۵).

در شهر رشت، به عنوان مرکز حکومت گیلان، بستر مناسب جهت اجرای این قانون مهیا بوده و فعالیت‌های متعددی در راستای تبلیغ و اجرای آن صورت گرفت. مهم‌ترین اقدامات این شهر از سوی اداره معارف و با همکاری مدیران معلم‌ها، کارمندان اداری و دانش‌آموزان مدرسه‌ها و اکابر انجام می‌گرفت. سالن‌های سینما و مدارس رشت و سایر شهرهای بزرگ گیلان محل برگزاری رویدادهای مختلف با حضور زنان متجدد و همسران کارمندان دولتی و نظامیانی بود که اکنون حجاب از سر برداشته بودند. این جلسات که در تبلیغ کشف حجاب برگزار می‌شد با سخنرانی خانواده‌های برخی روحانیون بزرگ شهرها، رئیس اداره معارف گیلان، و بانوان فعال و اندیشمند همراه بود. یکی از برنامه‌های مهم اداره معارف گیلان در بیستم دی ماه و در دبستان نمره ۲ رشت برگزار شد. در این جلسه که با حضور ۴۰۰ زن بی‌چادر از کارمندان زن و همسران مردان مهم شهر برگزار شد، سخنرانی‌های متعددی در جهت تبلیغ کشف حجاب و آزادی و استقلال زنان انجام گرفته و تمامی کارمندان و دانش‌آموزان گیلانی از این روز، بدون حجاب و چادر و با لباس‌هایی یکسان در محل خدمت و تحصیل خود حاضر شدند (اقدامات اداره معارف گیلان در اجرای مقررات استفاده از لباس متحدالشکل، ۱۳۱۴: ۳۹). در لاهیجان و لنگرود نیز پیشرفت زیادی حاصل و رویدادهایی مانند شهر رشت برگزار شد. کانون بانوان در شهر رشت، دیگر عامل پیشرفت این قانون بوده و وظایفی را که دولت در این امر برای آن تعریف نموده بود را به بهترین شکل انجام می‌داد. از مهمترین وظایف این کانون می‌توان به هماهنگی جلسات تبلیغ و سخنرانی در شهرهای مختلف استان در باب برداشتن حجاب، و تهیه نمایش، سرود، تصاویر و برنامه‌هایی مفرح برای اجرا در این جلسات اشاره داشت.

قانون کشف حجاب، با عنوان نهضت بانوان یا تربیت و تجدد نسوان، در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ به تصویب رسید. بر اساس این قانون استفاده از روسری، چادر، روبند و هر یک از دیگر انواع حجاب در کشور ممنوع شد. اجرای این قانون در گیلان با برگزاری رویدادهای فرهنگی و سخنرانی‌های متعدد آغاز شده و در مدت زمان اندکی (از دی تا بهمن ماه ۱۳۱۴) بخشی از جامعه زنانی گیلانی که تحت تاثیر مدرنیته بودند، به این قانون روی خوش نشان دادند. به گزارش حکمران وقت گیلان، او اجرای این قانون را از طبقات بالای جامعه -تجار و اعیان- آغاز کرده و سپس به سایر اقشار رسیده است. او این کار و نیز همراه کردن روحانیون بزرگ گیلان با خود را از دلایل اصلی سرعت زیاد پذیرش قانون کشف حجاب در رشت می‌دانست (پیشرفت اجرای قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن البسه، ۱۳۱۴: ۵۲).

یکی از نخستین رویدادهای مرتبط با موضوع کشف حجاب، پس از صدور فرمان کشف حجاب، توسط نیروی دریایی شمال کشور و به هنگام برگزاری جشن به آب انداختن ناوچه‌های جدید در گیلان صورت گرفت. در نخستین دعوت از دولتمردان گیلانی، همسران آنها بدون حجاب در جشن حاضر شدند (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۱۷۸) در بندر پهلوی (انزلی) برخورد مردم با قانون کشف حجاب همراهی نمودند و افرادی چون آقایان زمانی و رضانی، که از نامداران منطقه و مخالف این تغییرات بودند، در اولین جلسه تبلیغ برداشتن چادر مورخ ششم دی ۱۳۱۴ حضور بهم رسانیدند. حاکم گیلان در گزارش بهمن ماه خود، مسئله کشف حجاب را در این شهر انجام شده اعلام کرد. پیشرفت اجرای قانون کشف حجاب در گیلان متفاوت با اجرای قانون اتحاد پوشش بود. بر طبق گزارش‌ها این قانون به سرعت و با کمترین میزان مخالفت در سطح کشور به تمامیت انجام گرفته و حجاب از سر زنان گیلانی، جز در معدود موقعیت‌هایی، برداشته شد. زنان روستایی و از خانواده‌های مذهبی بیش از زنان کارمند، همسران نظامیان، بانوان تحصیلکرده و زنان ثروتمند، با کشف حجاب و نیز پوشش یکسان مخالفت داشتند که البته همه آن مخالفین به زور تهدید مجبور به پذیرش این قانون شدند (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۲۱۳). طبق اعلام اداره معارف گیلان، روند اجرای قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن البسه اداری در این ناحیه به گونه‌ای نبود که موجب اعتراض و اغتشاش شود. در گزارش‌های شهربانی نیز به این نکته اشاره شده که حتی یک نفر هم به این منظور

به شهربانی رجوع نکرده است. تجار و اعیان رشت نیز موافقت خود را با برداشتن چادر از سر همسران خود و استفاده آنها از لباس‌های اروپایی ابراز داشته و به این کار اقدام کردند. گیلان از نظر جغرافیایی در همسایگی شوروی و همچنین در مجاورت اندیشه‌های غربی قرار داشت. این اندیشه‌ها در تجدد و نوگرایی مردم گیلان تاثیر بسزایی داشت. بازرگانان گیلانی یکی از طبقات اصلی در انتقال دیدگاه غرب به این ایالت بودند. تجار و اعیان شهرهای رشت، لاهیجان و بندر انزلی اقدامات زیادی در راستای کمک به اجرای قوانین نامبرده نموده و به صورت مادی و معنوی از آن حمایت کردند. آنها نخستین گروه حاضر در مجالس تبلیغاتی بوده و اجرای این قوانین را از خانواده خود آغاز کردند. به عنوان مثال، در روز ۴ بهمن در سالن سینما ایران رشت جلسه بزرگی برای «پیشرفت و تربیت نسوان» برپا شد و در آن ۶۰۰ نفر از جمله تجار و اعیان و سایر طبقات شهر به همراه همسران خود حضور داشتند. این جلسه با هدف بالاتر نشان دادن نفس و دیده پاک از حجاب برگزار شده و رئیس وقت معارف گیلان و ملوک‌السادات فاطمی در این باب سخنرانی کردند (اقدامات اداره معارف گیلان در اجرای مقررات استفاده از لباس متحدالشکل، ۱۳۱۴: ۳۷). به نظر می‌رسد یکی از دلایل پذیرش کشف حجاب توسط بخشی از مردم گیلان، وجود مدارس مختلط خارجی همچون مدرسه اردشیر ارامنه، مدرسه تربیت شوروی، مدرسه آمریکایی و مدرسه غازیان شوروی بود. تبادل فرهنگی، آموزش زبان و تاریخ خارجه، وجود آموزگاران خارجی و همچنین حضور دانش آموزان دختر و پسر در کنار یکدیگر، سبب تشویق مردم گیلان به پذیرش فرهنگ غربی و موافقت با قوانین نوگرایی چون متحدالشکل شدن البسه و کشف حجاب می‌شد. همچنین قدمت حضور ارامنه و عیسویت در این منطقه و وجود دو کلیسای قدیمی به نام‌های «کلیسای مریم مقدس» در بندر انزلی و «کلیسای مسروپ مقدس» در شهر رشت، که قدمت آن به اواخر دوره قاجار و سالهای آغازین دوره پهلوی می‌رسد، سبب آشنایی مردم و روحانیون گیلان با دین مسیحیت و ویژگی‌های آن شد. علاوه بر مدارس خارجی، سال‌های ۱۵-۱۳۱۳ را می‌توان دوره پیشرفت و گسترش مدارس نوین دخترانه در گیلان نامید. در این زمان، تعداد مدرسه‌های دخترانه در شهرهای مختلف گیلان رو به فزونی گذاشته و در اسناد اداره معارف، استان گیلان به عنوان سومین ایالت پیشرو در زمینه آموزش دختران نام گرفت. مدارس متوسطه نیز به دوره‌های دبستان افزوده شده و سطح آگاهی و سواد بانوان گیلان افزایش یافت. از سال ۱۳۱۱ بیش از شش مدرسه ملی دخترانه در شهرهای رشت،

بندر پهلوی (انزلی)، لاهیجان و قصبه غازیان احداث شد. در همین هنگام، همچنین ده ها مدرسه دولتی دخترانه و پسرانه در شهرهای مختلف گیلان آغاز به کار نموده که در کنار مدارس خارجی، سهم بسیاری در افزایش آگاهی بانوان و نیز مردان این استان داشته است.

۶. علمای گیلان و قانون کشف حجاب

مخالفان قانون کشف حجاب با ممنوعیت‌های زیادی روبرو می‌شدند. طبق گزارش روزنامه Times of India با وجود آنکه مجازاتی سنگین همچون زندان و شکنجه برای اشخاصی که به این نهضت ورود نمی‌کردند در نظر گرفته نشده بود، اما آنها با برخی «منعیات کوچک» مانند ممنوعیت ورود به سالن‌های سینما و تئاتر، حمام‌های عمومی، مراکز خرید، بازار، و تمامی ساختمان‌های دولتی روبرو بودند و نیز اگر همسران مقامات و کارمندان دولتی و یا زنان کارمند دولت با برداشتن چادر و حجاب مخالفت می‌کردند، دیگر امکان خدمت دولتی برای آنها وجود داشت (نظرات روزنامه‌های ایرانی و خارجی درباره کشف حجاب و نهضت بانوان ایران، ۱۳۱۴: ۴).

با وجود آنکه در ابتدا جدیت زیادی برای برداشتن چادر و حجاب زنان از طرف دولت مرکزی و دولت‌های محلی صورت گرفت، اما رفته رفته سختگیری‌ها نسبت به زنان کمتر شد. همانطور که زنان گیلان در برابر کشف حجاب واکنشی منفی از خود نشان ندادند، به همان میزان حکومت نیز در قبال آنها از خود تسامح نشان می‌داد. برپایه گزارش شهربانی، در این زمان و در کل ایالت گیلان هیچ چادری وجود نداشت و هیچ یک از زنان گیلانی از آن استفاده نمی‌کردند، مگر زنان کارگر مزارع که عمده کشت و کار در گیلان برعهده آنان است. لباس کار این زنان چادر سفیدی است که بر کمر بسته و به هنگام کار در زیر باران و آفتاب از آن به جهت حفاظت از خود استفاده می‌کردند و سپس بعد از اتمام کار و در راه بازگشت این چادر دور کمر و یا بر سر آنان باقی می‌ماند (نظرات روزنامه‌های ایرانی- و خارجی درباره کشف حجاب و نهضت زنان در ایران، ۱۳۱۴: ۱۰).

رویکرد مردم در گیلان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. گروه نخست، موافقان نهضت بانوان بوده و برای اجرای دقیق آن به دولت یاری می‌رساندند. این گروه شامل طبقات اعیان و تجار، روحانیون بزرگ شهرهای مختلف، کارمندان ادارات دولتی، نظامیان و بانوان تحصیلکرده گیلانی که غالباً از خانواده‌های سرمایه دار و بزرگ شهرها بودند، می‌-

شود. گروه دوم نیز، مخالفان این طرح هستند. خانواده‌های مذهبی و روستایی و نیز مردم شهرها و روستاهایی که اصلاحات مهم در آنها هنوز به اجرا نرسیده بود را می‌توان در این دسته جای داد. یکی از معدود مخالفان کشف حجاب در گیلان که شهربانی در گزارشات خود به آن اشاره دارد، حاجی سید حسین مغیثی فومنی بوده که از اشخاص مذهبی شفت از توابع فومنات است (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۳۳۳-۳۲۱)

اغلب روحانیون مهم گیلانی، برخلاف همتایان خود در سایر ایالات، همراه و همکار دولت بوده و با قانون کشف حجاب و نهضت بانوان کم‌ترین مخالفت را داشتند. آنان همچنین در زمان لغو این قانون پس از سقوط رضا شاه نیز حرکت اعتراضی قابل توجهی از خود نشان ندادند. در شهر لاهیجان و در یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که به جهت تبلیغ نهضت برگزار می‌شد، منصوره خانم دختر آقا سید عبدالوهاب مجتهد رشتی، که بزرگترین مجتهد آن زمان لاهیجان بود، بدون حجاب در مجلس ظاهر شده و به سخنرانی در مورد نکات مثبت کشف حجاب پرداخت (پیشرفت- اجرای قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن البسه، ۱۳۱۴: ۵۲). در این زمان دختران بسیاری از علمای گیلان همراه این طرح شده بودند، که یکی دیگر از آنها، آقا سید محمود، به حضور بی‌حجاب دختر ۱۸ ساله خود در مدرسه و جامعه امر کرده بود. این همراهی از طرف روحانیت زمینه را برای اجرای این قانون در کمال آرامش فراهم نمود و شهربانی نیز در گزارشی به وزارت داخله بر این امر تاکید داشت، که «در گیلان احدی به این منظور به شهربانی رجوع نکرده است». کارمندان دولت نیز با ترس از دست دادن موقعیت شغلی و درآمد خود مخالفت زیادی با این طرح نداشتند. بسیاری از کارمندان اداری در نامه‌هایی که به دولت ارسال کردند تنها مشکل خود را نداشتن بودجه برای تهیه لباس مدرن اعلام کرده و خواستار دریافت کمک هزینه از دولت بودند. دانش آموزان دختر نیز به همین شکل به قبول این قوانین تن در دادند. شایان ذکر است، بر اساس گزارش‌های موجود از مناطقی همچون طوالش، آستانه، فومن، و لنگرود بسیاری از اصلاحات اداری، بهداشتی، آموزشی و راه و ساختمان در این نواحی به مرحله اجرا نرسیده بود. مردم روستاها هنوز خواستار احداث راه‌های ایمن، مدرسه، دواخانه و مریضخانه بودند. به ویژه آنکه، در برخی از روستاها نه اداره‌ی شهربانی وجود داشت و نه ادارات دولتی. تمام این دلایل سبب آن شده بود تا مردم این مناطق با ماهیت قانون‌های کشف حجاب و یکسان سازی پوشش اداری آشنا نباشند. به عنوان مثال،

طبق آمار در آستانه، تالش و فومن تا مدت‌ها مکتب و یا مدرسه ویژه دختران تأسیس نشده بود و به همین علت آنها با برداشته شدن حجاب و نیز همسان سازی پوشش آشنایی نداشتند. این موضوع در برخی شهرها و روستاهای دیگر نیز دیده می‌شود. نظامیان نیز حامیان اصلی دولت و حکومت رضا شاه بودند. این دسته را می‌توان از نخستین همراهان شاه در پایتخت و مرکز ولایت‌های مختلف ایران در آغاز راه نهضت بانوان دانست. دولتمردان، نظامی‌ها و افسران اولین کسانی بودند که دستور عدم استفاده از چادر و حجاب توسط همسران خود را اجرا نمودند و فرمان برداشتن حجاب برای همسران این افراد در روزهای آغازین این طرح صادر شد (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۱۴۷-۱۴۵)

جدول ۲ - واکنش برخی روزنامه‌های خارجی به نهضت بانوان ایران

روزنامه	دیدگاه/محتوا	وضعیت گیلان در مقایسه با دیدگاه روزنامه
Times of India (انگلیسی)	اعلام حمایت از تصمیم شاه؛ اشاره به پذیرش و انعطاف پذیری مردم تمام ایالات ایران بجز تهران؛ معرفی محدودیت‌های اعلام شده با عنوان مشکلات کوچک؛ شرح وقایع: زنان با حجاب اجازه حضور در ساختمان- های دولتی، سینما، تئاتر، حمام عمومی و ...	همراهی وسیع طبقات بالای جامعه در شهرهای رشت، بندر پهلوی (انزلی)، و لاهیجان با طرح‌های کشف حجاب و پوشش اروپایی زنان؛ تهدید مخالفان اندک کشف حجاب در استان گیلان به اخراج از مشاغل دولتی
Argus International de la Presse, S. A. (فرانسوی)	حمایت از شاه؛ اعلام مذهب به عنوان عامل عقب ماندگی ایران؛ معرفی اقدامات شاه در راستای جنبش فمینیسم	روزنامه‌های مهم گیلان در حوزه بانوان در این زمان ترجیح دادند تا در موضوع کشف حجاب و اتحاد پوشش صحبت زیادی نکنند و بانوان فعال اجتماعی تمرکز خود را بر آگاهی زنان از حقوق خود گذاشتند.
Morning Post (انگلیسی)	حمایت از اقدامات شاه؛ تمجید از شاه به دلیل اقدامات پیشرو او در مقایسه با کشورهای همسایه؛ شرح وقایع: اخراج زنان محجبه از ادارات و مدارس دولتی و خصوصی، اخراج دانش آموزان محجبه از مدارس، اجرای قطعی کشف حجاب از سوی خانواده کارکنان دولت	اکثریت جمعیت استان گیلان که ساکن در شهرهای بزرگ آن بودند، در گروه موافقان این طرح قرار داشته و تعدادی از روحانیون بزرگ منطقه نیز با آنها همراه بودند و مخالفان این طرح در گیلان نیز شامل زنان روستایی و برخی خانواده‌های مذهبی روستایی می‌شد.

برخی از گزارش‌های روزنامه‌های خارجی در جدول ۲ از برخورد دولت با بانوان محجبه توسط روزنامه نگاران داخلی مخابره می‌شد. روزنامه «Birmingham Post» بسیاری از وقایع داخلی را در گزارش خود منتشر کرد که تمامی آن را از روزنامه البرز در ایران دریافت نمود. اسناد محرمانه ارتش نیز گزارش‌های این روزنامه و سایر نشریات را تایید می‌کند. اداره شهربانی در راستای فشار به جهت تحمیل کشف حجاب در نامه‌ای از وزارت جنگ، خواستار ممناعت با ورود بانوان محجبه به اماکن عمومی و تفریحی شد (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۱۴۱) این فرمان شامل تمامی ایالات و شهرهای ایران شده و برخورد مامورین شهربانی با مخالفان کشف حجاب در گیلان نیز به همین شکل بوده است.

۷. نتیجه‌گیری

قوانین متحدالشکل کردن پوشش و کشف حجاب اجباری از اشتباهات رضاشاه است. اجبار در اجرای این قوانین، بدون در نظر گرفتن پیشینه مذهبی و اعتقاد مردم به حجاب صورت پذیرفته و به همین علت پذیرش آن در مناطق مختلف کشور نیز با مقاومت و مشکلاتی روبرو شد. با وجود انعطاف مذهبی بالای مردم گیلان در پذیرش این قوانین، همچنان اجرای آن، به ویژه اجرای قانون اتحاد در پوشش، سبب بروز آسیب‌های جبران ناپذیری می‌شد. ایجاد مشکل مالی برای کارکنان دولت و خانواده‌های کم بضاعت دانش آموزان یکی از مشکلات عدیده ناشی از این تصمیم ناگهانی بود. علاوه بر آن، یکسان سازی پوشش سبب عدم شناسایی مشاغل و طبقات مختلف در کشور شد. به عنوان نمونه، در گزارش‌های شهربانی شهرهای گیلان به مرکز، پوشش مشاغلی همچون سورچی با البسه دانش آموزان و کارمندان مدارس گیلان از نظر رنگ و نوع پارچه تشابه بسیار داشت و به همین سبب اداره معارف در تفکیک پوشش کارکنان مدارس و دانش آموزان با سورچیان با مشکلات زیادی روبرو شد. دیگر مسئله پیش رو آنکه، یکسان سازی پوشش و ممنوعیت استفاده از پوشش‌های سنتی که در پی آن و در سال ۱۳۰۸ به جهت اصلاح و ترقی کشور به راه افتاده بود، می‌توانست باعث از بین رفتن سنت‌های اقوام مختلف ایرانی شود و این یکی از آسیب‌های مهمی است که اجرای قانون متحدالشکل شدن البسه و کشف حجاب موجب بروز آن در گیلان شد. این دو قانون به ترتیب پوشش سنتی کشاورزان و شالی‌کاران

و سپس آرامش کاری آنها را مورد هدف قرار می‌داد. زنان، عمده کارگران زمین‌های شالی و باغ‌های چای بودند. لباس آنها رنگارنگ و متشکل از چادرهای سفید و رنگی بود که با یکسان سازی پوشش سعی در از بین بردن این لباس سنتی شد. آنها چادرهایی سفید بر کمر بسته و در زمان تابش شدید نور خورشید و گرمای زیاد از آن به عنوان سایبان در زمان کار در زمین استفاده می‌کردند. قانون کشف حجاب مخالف هرگونه استعمال چادر و چارقد بود و به همین جهت ماموران حکومتی مجبور به مقابله با این نوع پوشش بودند. با وجود مخالفت حداقلی نسبت به این دو قانون در گیلان، اما همچنان می‌توان گروه‌هایی را یافت که اجبار در اجرای این قوانین باعث رنج و آسیب آنها می‌شد. جنگ جهانی دوم و ورود نیروهای متفقین به ایران با وجود تمام نکات مخرب و منفی خود، از پیشرفت این قانون جلوگیری نمود و کمرنگ شدن آن، اقوام، ملیت و پوشش سنتی مردم ایران را حفظ کرد. ادامه داشتن قانون کشف حجاب نیز می‌توانست به این امر سرعت بخشیده و موجبات نابودی اقوام را فراهم کند. همانطور که ذکر گردید، گیلان خود از ایالاتی بود که به سرعت این قانون را پذیرا شد، اما همچنان یکی از مناطقی است که امکان آسیب‌پذیری آن از نظر قومی و بومی وجود داشت. چه آنکه، زارعین و فلاحان گیلانی در حال از دست دادن پوشش سنتی کار خود بوده و با ادامه این قانون امکان آن بود که امروز دیگر از پوشش سنتی این منطقه نامی در میان نماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. روزنامه ستاره ایران در تهران به طبع می‌رسید.
۲. نشریه زبان زنان به صاحب‌امتیازی صدیقه دولت آبادی در شهرهای اصفهان و تهران به چاپ می‌رسید. مرضیه ضرابی مدتی با این روزنامه همکاری داشته و چند مقاله در باب زنان برای آن به نگارش درآورده است.
۳. ر.ک.: حاتمی، صفایی قهفرخ، ۱۳۹۱: ۷۰.
۴. اشاره به شوروی و استفاده از عبارت «حزب لنین» در این شعر دیده می‌شود.
۵. وی در این آثار ابتدا خواسته‌ی خود مبنی بر کشف حجاب را با اعلام برابری زن و مرد و آزادی زن اعلام می‌کند، اما رفته رفته نثر شعر و استدلال او رو به ابتذال می‌گذارد؛ وی آثار مختلفی در نكوهش چادر و حجاب سروده است.

کنش‌ها و واکنش‌های مردم گیلان ... (عباس پناهی و معصومه حنیفه) ۹۹

۶. ر.ک: عارف نامه ایرج میرزا، بخش ۵

۷. این شعر به مناسبت کشف حجاب در ایران سروده شده و در یکی از ابیات آن به یکی از سخنان رضا شاه در راستای تبلیغ قانون کشف حجاب اشاره داشته است.

۸. میرزاده در اثر «دزد پاتختی» نیز به معایب چادر و حجاب اشاره داشته و با تشبیه چادر به کفن، زنان ایران را زنده اما در کفن خواند.

کتاب‌نامه

اسناد:

محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ شناسه بازیابی: ۲۹۰/۱۱۴

شناسه بازیابی: ۲۹۰/۴۶۳۱

شناسه بازیابی: ۲۹۳/۱۰۸

شناسه بازیابی: ۲۹۳/۸۲۲

شناسه بازیابی: ۲۹۳/۱۹۹۰

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۴۲۱۴

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۶۶۳۱

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۷۴۱۷

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۷۴۲۷

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۸۱۵۵

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۸۳۱۴

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۲۸۶۲۵

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۳۱۲۰۵

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۳۴۴۱۰

شناسه بازیابی: ۲۹۷/۴۹۱۸۴

شناسه بازیابی: ۲۹۸/۸۲۳۳۵

شناسه بازیابی: ۳۱۰/۱۸۴۶۵

شناسه بازیابی: ۳۱۰/۱۸۴۹۴

شناسه بازیابی: ۳۱۰/۱۹۲۱۳

شناسه بازیابی: ۳۱۰/۶۱۱۷۷

کتاب و مقاله:

- آبادیان، حسین و زهره صفری (۱۳۹۳)، *مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه*، جستارهای تاریخی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان اتحادیه، منصوره (۱۳۷۳)، *واقعه کشف حجاب*، مجله کلک، شماره ۵۳، مرداد - (۱۳۷۸)، *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی - (۱۳۹۴)، *سندهای بدون شرح؛ متحداالشکل کردن لباس و کشف حجاب*، مطالعات تاریخی، شماره ۳۴، پاییز
- ارفع، حسن، مترجم: مانی صالحی علامه (۱۳۹۸)، *در زمانه‌ی پنج شاه*، تهران: ماهی بصیرت منش، حمید (۱۳۷۶)، *روند کشف حجاب و واکنش روحانیان*، تاریخ معاصر، شماره ۲ باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۷)، *مشروطه زنان و تغییرات اجتماعی*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- تخشید، محمدرضا (۱۳۷۷)، *اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضا شاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون در ایران*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۰.
- حاتمی، سعید، و صفایی قهفرخ، پروانه (۱۳۹۱) *مقام زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی*، ایرج میرزا و عارف قزوینی، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ، سال سوم، شماره ۱۲، تابستان.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۶)، *فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
- ذوالفقاری، ابراهیم (۱۳۸۵)، *کشف حجاب بانوان*، مطالعات تاریخی، شماره ۲۳۶، خرداد راستگو، محمد سبحان (۱۳۸۷)، *بیکار شاعرانه در معرکه کشف حجاب*، زمانه، شماره ۷۵ و ۷۶
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۵)، *زنان پیش از مشروطه، پس از مشروطه*، زمانه، شماره ۴۸
- شهرام نیا، امیرمسعود، و زمانی، نجمه سادات (۱۳۹۲)، *علل و پیامدهای شکل‌گیری پدیده کشف حجاب در دوران پهلوی*، گنجینه اسناد، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۹۴)، *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران: نشر مرکز.
- کرونین، استفانی، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر (۱۳۸۲)، *شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضا شاه*، تهران: جامی.
- منظورالاجداد، سید محمدحسین (۱۳۸۵)، *امریه کشف حجاب*، شماره ۲۳۶، خرداد.
- مسعودی، بنفشه و مهاجر، ناصر (۱۳۹۰)، *مجله بیک سعادت نسوان*، آلمان: نشر نقطه

کنش‌ها و واکنش‌های مردم گیلان ... (عباس پناهی و معصومه حنیفه) ۱۰۱

نساچ، حمید (۱۳۹۲)، مقایسه‌نوسازی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۲، شماره ۵ (پیاپی ۵)، تابستان